

حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

در وجوب انفاق به عنوان زوجیت یا به عنوان قرابت یا به عنوان ملک یمین و عبد و أمه بودن، این سه فصل کاملاً از هم جدا هستند و حکم تکلیفی و وضعی آنها با هم فرق می‌کند. عمده مسئله زوجیت است که انفاق به سبب زوجیت واجب می‌شود که محل بحث اصلی کتاب نکاح است؛ نه فقر و غنای شوهر اثر دارد، نه فقر و غنای زوجه.

بیان ذلک این است که اگر این از سنخ نفقات واجب شرعی باشد در صورتی که زوج فقیر است نباید بر او واجب باشد و در صورتی که زوجه غنی است نباید انفاق واجب باشد در حالی که نه غنای زوج شرط است و نه غنای زوجه مانع، بر زوج واجب است که نفقه زن را تأمین کند چه فقیر باشد چه غنی و زوجه چه فقیر باشد چه غنی، چرا؟ چون از سنخ معاوضه است نظیر بیع نظیر اجاره گرچه با آنها خیلی فرق دارد ولی از سنخ ضمان، ضمان بیع و اجاره است که بایع باید حق مشتری را ادا کند، نه غنای بایع شرط است و نه غنای مشتری مانع، این حق مسلم مشتری است باید بپردازد. پس در وجوب انفاق زوج بر زوجه، نه غنای زوج شرط است و نه فقر او مانع، نه غنای زوجه مانع است و نه فقر او شرط است؛ در تمام این صور چهارگانه این نفقه واجب است.

مطلب دوم این است چون از سنخ وضع است اگر زوج نداد حالا یا با عذر نداد در اثر اینکه در سفر بود مقدورش نبود، یا فقیر بود امکانی نداشت، بر ذمه او است این طور نیست که اگر فقیر بود بر او واجب نباشد، این مال بر عهده او است؛ مثل اینکه فقیری معامله‌ای کرده است به هر حال بدهکار است اگر غنی شد که می‌پردازد و گرنه از وجوه دیگر و مانند آن باید بدهد چون او بدهکار است باید که تأمین کند و به زوجه خود بپردازد و اگر پرداخت ولی او اگر مالی پیدا کرد از مال او بگیرد و حق مسلم زوجه را بپردازد. اینها امور مالی است. پس نه غنای زوج شرط است و نه غنای زوجه مانع، نه فقر زوجه شرط است و نه فقر زوج مانع؛ این امر وضعی است در کنار آن تکلیف بر عهده زوج است اگر اکنون نداشت به عنوان دین بعد از او از مال او می‌گیرند می‌پردازند اگر چنانچه نداد حاکم شرع دخالت می‌کند و با اجبار می‌گیرد چون دین است.

در نفقه قرابت این چنین نیست، هم غنای آن طرف مانع است هم غنای این طرف شرط؛ یعنی بر شخص وقتی واجب است هزینه پدر، هزینه فرزند و اولاد را بپردازد که غنی باشد؛ منظور از «غنا» یعنی بتواند تأمین کند و وقتی واجب است که پدر یا اولاد از خودشان مالی نداشته باشند. پس هم غنای پدر شرط است و هم غنای عمودین مانع اگر «أحد العمودین» غنی بودند غنای آنها مانع وجوب تکلیف انفاق بر خود این شخص است.

پس قرابت با زوجیت این تفاوت‌های سنگین را دارند که در آنجا در طرف زوج نه غنی شرط است و نه فقر مانع است و نه در طرف زوجه فقر شرط است و غنی مانع، این طور نیست؛ اما برخلاف انفاق در مسئله قرابت که هم غنای این شخص شرط است و هم غنای آنها مانع است اگر آنها غنی بودند واجب النفقه این شخص نیستند و همان سه حکمی که آن طرف گفته شد، این طرف برخلاف آنها است.

مطلب دیگر این است که نفقه زوجه هم در قرآن آمده و هم در روایات، هم حکم تکلیفی آن بیان شده و هم حکم وضعی، این درباره نفقه زوجیت؛ اما نفقه قرابت در روایات آمده ولی در آیه چیزی نیامده است. در آیه مسئله میراث کاملاً مطرح شد نسبت به آباء و اجداد و اولاد و مانند آن، همان طوری که میراث زوجیت مطرح شد؛ اما نفقه قرابت اصلاً در قرآن مطرح نشد منتها برخی‌ها خواستند به اولین آیه سوره مبارکه «نساء» که فرمود: ﴿وَأَتُوا اللَّهَ الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ﴾^۱ به ارحامتان پردازید، اینجا مثلاً این را استفاده کنند که لازم است تفقدی کند از حال آنها باخبر باشد؛ اما این به صورت یک دلیل روشن دلالت کند بر اینکه نفقه قرابت نسبت به ارحام هم وجود دارد نیست. چون چنین نیست در جریان آیه که مسئله زوجیت و مانند آن مطرح شد این آیه باید تخصیص بخورد که این مربوط به زوجه دائم است. اصل زوجیت شد اگر این آیات منصرف به زوجیت دائم نباشد به هر حال باید تخصیص یا تقیید بخورد؛ ولی در جریان نفقه قرابت اصلاً چنین چیزی نیامده تا ما بگوییم تخصیص بخورد یا تقیید بخورد، ندارد که ارحامتان را باید تأمین کنید. آن طوری که طبقات ارثی اینها را مشخص کرده‌اند از اجداد و امهات و اخوه و اخوات، مسئله ارث قرابت را تأمین کردند چنین چیزی درباره نفقه قرابت نیامده است و از اولین آیه سوره مبارکه «نساء» هم بیش از رعایت حرمت و صله رحم و مانند آن در نمی‌آید و آیات دیگری هم که دارد با اینها صله رحم کنید و حتی خدا لعن کرده است کسانی که قاطع صله رحم هستند ﴿يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾^۲ خیلی به تندى اینها را بیان کرد؛ ولی مسئله انفاق و اینها اصلاً در این زمینه چیزی مطرح نیست.

۱. سوره بقره، آیه ۲۷؛ سوره رعد، آیه ۲۵.

حالا می‌ماند بعضی از روایات؛ چون آن روایات به خوبی دلالت دارد که نفقه قرابت حق است، یک؛ در حد تکلیف است، دو؛ خصوص عمودین است، سه؛ بقیه احسان است و اگر فقیر بودند می‌توان از باب صدقه به آنها عطا کرد. در قلمرو مسئله نفقه اولاد، اعفاف یعنی کاری بکند برای او همسر بگیرد که او عقیفانه زندگی کند، این بر پدر و مادر واجب نیست، در حدّ سدّ جوع تأمین هزینه آنها بر پدر واجب است اما در حدّ اعفاف دلیلی نیست لذا اگر چنانچه او وجوهی را بدهکار است ممکن است بر پسری که مثلاً طلبه است استحقاق چیزی دارد بخشی از وجوه را از باب اعفاف او یعنی ازدواج او، «جعل عقیفاً» او می‌تواند صرف بکند برای اینکه بر او که واجب نیست. غرض این است که سدّ جوع واجب است و تأمین مسکن لازم است تأمین پوشاک و لباس لازم است، اینها را بیان کردند؛ اما مسئله اعفاف و ازدواج و مانند آن بر پدر واجب نیست، وقتی بر پدر واجب نبود او می‌تواند از راه وجوه آنها را تأمین کند. عمده آن است که در مسئله نفقه قرابت محدودیت خاصی است، نعم! درباره عمودین که منحصرأ پدر و مادر هستند یا جدّ و جدّه هم مشمول هستند آن را چون ممکن است ابوان بگیرند، والدان اطلاق والده بگیرد اطلاق آب بگیرد، اینجا مثلاً می‌گویند که اظهر وجوب انفاق بر جدّ و مانند آن هم است و گرنه آنچه که به صورت شفاف از روایات بر می‌آید فقط پدر و مادر هستند و اولاد اما جدّ و جدّه و مانند آن آنها را با تردد ذکر می‌کنند.

پرسش: ...

پاسخ: درباره زوجیت عین را مالک می‌شود و تملیک می‌کند؛ بلکه در خصوص مسکن ندارد که این طور بکنید

بلکه دارد ﴿أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ﴾^۱ فرمود که برای آنها خانه تهیه کنید.

۱. سوره طلاق، آیه ۶.

پرسش: ...

پاسخ: چون هم روایات است و هم اینکه «لهن» داریم. این بحث گذشت که از «لام» در «لهن» و هم از «علی» در «علیهن» از اینها استفاده می‌شود به اینکه ملکیت است. روایات به خوبی و شفاف دلالت دارد که این شخص شرعاً ضامن است؛ اما از این «لام» در «لهن» و از «علی» در «علیهن» ﴿وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ﴾^۱ که رزق به عهده اوست و کسوه به عهده اوست نه صرف اسکان و مانند آن، این معلوم می‌شود که مالک می‌شود.

بنابراین آن چند حکم درباره زوج و زوجه مشخص شد چند حکم درباره نفقه قرابت مشخص شد حالا روایاتی که مسئله نفقه عمودین را ذکر می‌کنند مرحوم صاحب وسائل (رضوان الله تعالی علیه) در باب یازده از ابواب نفقات، این چند تا روایت را دارد. اولین روایت را مرحوم کلینی «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ» که روایت معتبر هست «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» می‌فرماید: «خُمْسَةُ لَا يُعْطَوْنَ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئاً»؛ در مسئله قرابت پنج گروه هستند که نمی‌شود به آنها زکات داد برای اینکه آنها واجب النفقه انسان هستند؛ نه زکات مال و نه زکات فطر، چون مصارف هشت‌گانه زکات مال درباره زکات فطر هم مطرح است. «الْأَبُ وَالْأُمُّ وَالْوَلَدُ وَالْمَمْلُوكُ وَالْمَرْأَةُ»، چرا؟ «وَذَلِكَ أَنَّهُمْ عِيَالُهُ لَازِمُونَ لَهُ»^۲ اینها واجب النفقه او هستند، نمی‌شود این امر واجب را درباره زکات و امثال زکات مطرح کرد، زکات حکم مستقل خودش را دارد اینها واجب النفقه هستند. در اینکه نمی‌شود به اینها زکات داد مشترک است بین دو قسم

۱. سوره بقره، آیه ۲۳۳.

۲. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۵۵۲؛ وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۲۵.

از نفقه؛ چه نفقه زوجیت که ملکیت می‌آورد که نفقه ملک زوجه می‌شود، چه نفقه قرابت که انفاق واجب است نه نفقه. هر دو قسم را این روایت مشخص کرد که به هیچ کدام از اینها نمی‌شود زکات داد و برهان مسئله شامل خمس می‌شود شامل صدقات واجبه می‌شود برای اینکه دلیل مسئله این است که «وَذَلِكَ أَنَّهُمْ عِيَالُهُ لَازِمُونَ لَهُ» اگر چنانچه چنین برهان و تعلیلی نبود ممکن بود انسان بگوید که زکات را نمی‌شود به اینها داد ولی شاید بشود خمس را داد؛ اما وقتی که برهان اقامه می‌کند که اینها چون واجب النفقه او هستند و بر مرد لازم است که نفقه اینها را تأمین بکند معلوم می‌شود که خمس هم همین طور است، زکات فطر هم همین طور است، زکات مال هم همین طور است، کفارات هم همین طور است. «خَمْسَةٌ لَا يُعْطَوْنَ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئاً الْأَبُ وَالْأُمُّ وَالْوَلَدُ وَالْمَمْلُوكُ وَالْمَرْأَةُ». این روایت شاید بتواند ثابت کند که جدّ و جدّه مستثنا هستند برای اینکه ظاهراً در مقابل حصر است. اگر چنانچه کسی بخواهد از اطلاق آب یا أم استفاده کند این می‌تواند مخصوص یا مقید باشد چون این حکم معلل، ظهورش در اعتبار آن حکم، بیش از حکم غیر معلل است مگر اینکه کسی بگوید که خود اینجا هم آب و أم اطلاق دارد و جدّ و جدّه را می‌گیرد و گرنه اگر اینجا مسلم شد که آب و أم، همان آب و أم بلا واسطه هستند اگر در روایتی اطلاق داشته باشد این روایت می‌تواند تقیید کند. «الْأَبُ وَالْأُمُّ وَالْوَلَدُ وَالْمَمْلُوكُ وَالْمَرْأَةُ»، «مرأة» یعنی زوجه البته زوجیت دائم چون شرط اساسی آن زوجیت دائم بود. «وَذَلِكَ أَنَّهُمْ عِيَالُهُ لَازِمُونَ لَهُ» چون در عقد انقطاعی اصلاً عیال نیست واجب النفقه نیست.

روایت دوم: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ» که «لَا يُجْبَرُ الرَّجُلُ إِلَّا عَلَى

نَفَقَةِ الْأَبَوَيْنِ وَالْوَلَدِ»^۱ در اینجا مگر اینکه کسی بگوید که این ابوین اطلاق دارد و جدّ و جدّه را هم می‌گیرد.

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص ۵۱۲؛ وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۲۵.

روایت سوم را که باز مرحوم کلینی نقل می‌کند «عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ لَهُ مَنْ الَّذِي أُجْبَرُ عَلَيْهِ وَ تَلْزَمُنِي نَفَقَتُهُ» به حضرت عرض کردم که من مجبور می‌شوم نفقه چه گروهی را بدهم؟ حاکم شرع می‌تواند مرا مجبور کند، دستگاه شریعت می‌تواند مرا مجبور کند. «مَنْ الَّذِي أُجْبَرُ عَلَيْهِ وَ تَلْزَمُنِي نَفَقَتُهُ» نفقه او بر من واجب می‌شود که اگر من ندادم حاکم می‌تواند مرا مجبور کند «قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْوَالِدَانِ وَالْوَلَدُ وَالزَّوْجَةُ»^۱.

سرّ اینکه فقهاء (رضوان الله عليهم) مسئله قرابت را که از اسباب نفقه است کنار زوجیت ذکر می‌کنند برای اینکه روایات ما اینها را با هم ذکر کرده است، مسئله نفقه قرابت را کنار مسئله نفقه زوجیت ذکر می‌کنند برای اینکه روایات این دو را در کنار هم ذکر کرده است فرمود مرأة و والدين، مرأة و ولد. در آن روایت و در این روایت، مسئله زوجیت را با قرابت کنار هم ذکر کردند لذا این فقهاء دیدند که هیچ چاره‌ای نیست مگر اینکه این دو تا عنوان را در یک باب ذکر کنند یعنی مسئله وجوب نفقه در اثر زوجیت و وجوب نفقه در اثر قرابت هر دو در یک باب است.

این روایتی که مرحوم کلینی (رضوان الله تعالی علیه) ذکر کرد، مرحوم شیخ با یک سند دیگری نقل کرده است و مرحوم صدوق (رضوان الله علیه) هم باز با سند خاصی نقل کردند روایتی است که مشایخ ثلاثه (رضوان الله عليهم) این را نقل کرده‌اند.^۲

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص ۱۳؛ وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۲۵.

۲. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص ۱۳؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۹۳؛ الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۳، ص ۴۳؛ الخصال، ج ۱، ص ۲۴۸.

روایت چهارمی که مرحوم کلینی نقل کرد از «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» این است که «قَالَ أُتِيَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَتِيمٍ» در محکمه حضرت امیر یک بچه یتیمی را آوردند حضرت فرمود: «خُذُوا بِنَفَقَتِهِ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنْهُ مِنَ الْعَشِيرَةِ كَمَا يَأْكُلُ مِيرَاثَهُ»^۱. این روایت مسئله قرابت را توسعه می‌دهد به سه درجه برای اینکه می‌فرماید این بچه یتیم باید تأمین شود حالا اگر ما قرینه داشتیم که این حکم حکومتی است نمی‌شود از آن حکم شرعی اولیه استفاده کرد؛ اما اگر قرینه و دلیلی نبود که این حکم حکومتی است ظاهر آن این است که این حکم شرعی است و حکم شرعی این است که این بچه یتیم برابر آن قرابت ارثی واجب النفقه آنها است، ارث هم سه طبقه دارد: طبقه اول عمودین است، طبقه دوم برادر و خواهر و جدّ و جدّه اینها هستند و طبقه سوم اعمام و احوال اینها هستند. اگر برابر طبقات ارث شخص واجب النفقه می‌شود در نفقه قرابت، در زوجیت این چنین نیست و چنین چیزی هم نداریم اما در باب نفقه قرابت اگر برابر طبقات ارث شخص واجب النفقه می‌شود یا همچنین عهده‌دار نفقه آن طرف است از دو طرف شامل می‌شود، چه نفقه‌گیر و چه نفقه‌ده، این شخص واجب النفقه پدر و پسر است اولاً - طبقه اول - برادر و خواهر هست ثانیاً، اعمام و احوال است ثالثاً.

پرسش: ...

پاسخ: نه، برای اینکه آنجا فقط خصوص ارث را بیان می‌کند، این روایت تنزیل دارد همان طوری که ارث واجب است نفقه هم واجب است که اگر چنین روایتی نبود ما از آیات ارث استفاده نمی‌کردیم؛ مثلاً در خصوص

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص ۱۳؛ وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۲۶.

«الطَّوَّافُ فِي الْبَيْتِ صَلَاةٌ»^۱ اگر ما چنین تنزیلی از این طرف نداشتیم ﴿وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾^۲ از آن استفاده نمی‌کردیم که طهارت شرط است.

از این روایت چهارم معلوم می‌شود که زمان حکومت حضرت امیر بود. این خیلی شفاف و روشن نیست که حکم اولی و شریعتی است یا حکم حکومتی، حاکم شرع است فرمود اینها باید برای بچه بی‌سرپرست تأمین کنند، این ممکن است حکم حکومتی باشد. «قَالَ: أَتَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَيْتِي فَقَالَ خُذُوا» امر داد که اجرا کنید «خُذُوا بِنَفَقَتِهِ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنْهُ مِنَ الْعَشِيرَةِ كَمَا يَأْكُلُ مِيرَاثَهُ» همان طوری که آنها ارث می‌برند هم‌اکنون باید نفقه او را هم تأمین کنند سه طبقه است ارث و سه طبقه است نفقه اما این هیچ مورد فتوا نیست.

پرسش: ...

پاسخ: نمی‌تواند حکومتی باشد.

پرسش: ...

پاسخ: نه، این حکم حکومتی است حکم شرعی نیست.

پرسش: ...

پاسخ: همان طوری که «كَمَا» یک تنظیری است یک تأییدی است؛ چون هیچ کسی این طور فتوا نداد که مثلاً میزان واجب النفقه بودن میزان طبقات سه‌گانه ارث است.

پرسش: ...

۱. عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۲، ص ۳۷۲.

۲. سوره حج، آیه ۲۹.

پاسخ: نه مشکلی ندارد، عمده این است که در زمان حکومت حضرت امیر بود و این یتیم بی سرپرست را آوردند در محکمه حضرت امیر عرض کردند که وضع مالی او خوب نیست، حضرت فرمود که عشییره او بپردازند یعنی همان طبقات ارث.

مرحوم صاحب وسائل می فرماید «هَذَا مَحْمُولٌ عَلَى الْإِسْتِحْبَابِ لِمَا مَرَّ»، این «لِمَا مَرَّ» برای اینکه مشخص کردند ارث قرابتی منحصر در عمودین است.

روایت پنجمی که باز مرحوم کلینی «عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ» نقل می کند از وجود مبارک امام صادق (سلام الله علیه) «قَالَ قُلْتُ لَهُ:» «محمد بن مسلم» عرض می کند که من به محضر حضرت عرض کردم «مَنْ يَلْزَمُ الرَّجُلَ مِنْ قَرَابَتِهِ مِمَّنْ يُنْفِقُ عَلَيْهِ قَالَ الْوَالِدَانِ وَالْوَلَدُ وَالزَّوْجَةُ»^۱. بر مرد نفقه قرابت تا چه حدودی واجب است؟ شخص تا چه اندازه ملزم است که نفقه قرابت خودش را تأمین کند؟ «مَنْ يَلْزَمُ الرَّجُلَ مِنْ قَرَابَتِهِ مِمَّنْ يُنْفِقُ عَلَيْهِ» ملزم هست که هزینه آنها را تأمین کند؟ فرمود: «الْوَالِدَانِ وَالْوَلَدُ وَالزَّوْجَةُ» این حصر است، آن وقت این یا تصرف در ماده است یا تصرف در هیئت؛ یا در ماده اینها تصرف می کنند می گویند این حصر، حصر نسبی است نه حصر نفسی «إِلَّا فُلَانٌ» که یک چیزی اضافه می کنند، یا در هیئت آن روایاتی که می گوید نفقه اینها را «على وزان الإرث» بدهید آن را حمل بر استحباب می کنند که صاحب وسائل این کار را کرده است. صاحب وسائل می فرماید اصحاب این را حمل بر استحباب کرده اند روایتی که می گوید «على وزان ارث» نفقات توزیع می شود یعنی در هیئت آن روایتی که می گوید «على وزان الإرث» توزیع می شود آن را حمل بر استحباب کردند. اگر چنانچه کسی قائل به وجوب بود

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص ۱۳؛ وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۲۶.

تخصیص می‌زند این حصر را، تقیید می‌کند این حصر را، می‌گوید اینکه دارد غیر از والدان و اولاد و زوجه نفقه کسی واجب نیست می‌گویند مگر مثلاً خواهر.

روایت ششم این باب که مرحوم شیخ طوسی «بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ» که این روایت معتبر است از وجود مبارک امام صادق (سلام الله علیه) نقل می‌کنند این است که فرمود: «وَالْوَارِثُ الصَّغِيرُ يَعْنِي الْأَخَ وَابْنَ الْأَخِ وَنَحْوَهُ»^۱ این هم از همان قبیل است ورثه چه صغیر باشد چه کبیر، یکی از وارث‌های صغیر - حالا منظور صغر نسبی باشد نه صغر سنی - برادر است و برادرزاده. این روایت وارث صغیر را ذکر می‌کند چه کاری به مسئله نفقه دارد؟! این روایت را اینجا برای چه ذکر کردند چون اینجا سخن از نفقه است و این روایت مربوط به باب ارث است؟! اینکه فرمود وارث صغیر یعنی أخ و ابن أخ و مثل آنها، این روایت مفسر آن بیان نورانی امیر المؤمنین است که فرمود «حُذُوا بِنَفَقَتِهِ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنْهُ مِنَ الْعَشِيرَةِ كَمَا يَأْكُلُ مِيرَاثَهُ»، این روایت ناظر به آن روایت است وگرنه این روایت چه ارتباطی به مسئله نفقه دارد؟! نه نفقه زوجیت در آن مطرح است، نه نفقه قرابت در آن مطرح است، اصلاً باب نفقه قرابت نیست، نفقه زوجیت نیست فرمود: «وَالْوَارِثُ الصَّغِيرُ» این است این روایت می‌تواند ناظر به آن روایت باشد.

«و الحمد لله رب العالمین»

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۲۶.